

حمد محبوب امکان و مقصود عالمیان را لایق و سزا است که اولیای خود را

...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۹۰

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد محبوب امکان و مقصود عالمیان را لایق و سزا است که اولیای خود را مؤید فرمود بر نصرت امر و اعلاى کلمه و موفق فرمود بر اجراء اوامر و احکام که سبب نظم عالم و حفظ امم است ایشانند ایادی امر و حروف کتب ایشان قدرت و غلبه در عالم ملک ظاهر شد و باهر گشت ایشانند انجم سماء ظهور و اعلام نصر من لدی الله مالک النّشور بهم امطرت السّماء و اشرفت الشّمس و انارت الآفاق

دستخط آن حضرت فی الحقیقه کتبی بود که عشاق جمال بیثال را جذب مینمود چه معطر بذکر محبوب عالم و منور بشمس اسم مبارکش بود علم الله نرجس و نسترن را این عرف نباشد و کذلک عنبر و یاسمن را بعد استشمام آن و اطلاع بما فیهِ باسّمان آسمانها توجه نموده مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان القدم جلّ جلاله

یا اسد علیک بهاء الله الفرد الأحد الحمد لله بذکر حقّ مشغولی و بخدمت امر قائم بگوای عباد امروز روز دیگر است لسان دیگر باید تا قابل ثنای محبوب عالم شود و عمل دیگر باید تا مقبول درگاه گردد جمیع عالم طالب این یوم بودند که شاید موفق شوند بآنچه لایق و سزاوار است طوبی از برای نفسی که امورات دنیا او را از مالک الوری منع ننمود غفلت ناس بمقامی رسیده که از خسف مدینه و نسف جبل و شقّ ارض آگاه نشده و نمیشوند اشارات و علامات جمیع کتب ظاهر و در هر حین صیحه مرتفع مع ذلک جمیع از خمر غفلت مدهوشند الا من شاء الله هر روز ارض در بلای جدیدی مشاهده میشود و آنّا فأنّا در تزايد است از حین نزول سورة رئیس تا این یوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمینان مزین گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه مرض عالم بمقامی رسیده که نزدیک پیأس است چه طیب ممنوع و متطبّب مقبول و مشغول در این اطراف در بعض بلدان آثار خسف ظاهر امورات عجیبه ظاهر شده و میشود ولکن غافین در حجاب مبین آیا تفکر نمینمایند کجا است صدر اعظم ایران و عزّت و ثروت او کجا است قدرت و قوت او غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده سوف یرون ما عملوا فی ایام الله کذلک ینبئک الخبیر



ORIGINAL

من لدن مقتدر قدیر انشاء الله بذکر حق و بثنای حق و خدمت امر حق لازال مؤید باشی بشائی که آثار آن از آفاق عالم و آفاق قلوب امم ظاهر شود اولیای حق جلّ جلاله را باسم ابهی رحیق بقا بنوشان و کل را بذکر حق و عنایتش مسرور دار بگو جهد نمائید تا از ملکوت بیان بکلهئی فائز گردید انتهی لله الحمد که کوب وصال در راه است بقول اهل پارس پی در پی میرسد از حق میطلبم این کأس همیشه در دور باشد چه که بظلم حبیب ممزوج است و باسم محبوب مشهور انشاء الله این نعمت را زوال اخذ نکند و ایادی معتدین تغییر ندهد هی خادم بنوشد و هی هنیئاً بشنود

دو دستخط آن جناب که بتاریخ ۹ ذیقعدہ و ۲۴ آن مرقوم بمثابۀ دو شمس بازغ بود از برای قلب فانی انشاء الله امثال آن شمس همیشه بازغ و طالع و مشرق و لائح باشد این عبد از حق سائل و آمل که در عرض جواب مؤید شود و تأخیر نرود چه در هر کوه از اطراف میرسد آنچه که از اداء جواب آن عاجز است در جمیع احوال تأیید از حق جلّ جلاله است انّه لهُو المؤید القدیر

اینکه در بارۀ جناب صاحب علیه بهاء الله مرقوم داشتند از قبل جواب آن در دو مکتوب عرض شد تا حال رسیده انشاء الله مؤید شوند بآنچه که اثر آن بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده ماند الحمد لله که آن جناب در جمیع احوال بحکمت مؤیدند اینکه ورود قم و معاشرت با دوستان حق جلّ جلاله را مرقوم داشتند این تفصیل عرض شد هذا ما نطق به لسان المقصود قوله عزّ اجلاله انشاء الله لازال بخدمت امر مشغول باشند و بهدایت غافلین موفق انتهی

و اینکه در بارۀ جناب آقا محمد ابرهیم و همچنین ندافها علیهم بهاء الله و اشتعالشان مرقوم داشتند انشاء الله همیشه مشغول باشند طوبی لهم و لهم حسن مآب

و اینکه مرقوم فرمودند گاهی اگر نفسی بآن اطراف توجّه نماید محبوب است هذه کلمة یصدّقها کلّ عالم خیر و کلّ عارف حکیم لازال از لسان مبارک شنیده شد که باید نفوس چندی که باخلاق مزینند و بمقتضیات وقت و حکمت ناظر بآن جهات توجّه نمایند و روح حیوان مبذول دارند نسایم بیان رحمن باید همیشه در مرور باشد این فقره حسب الامر لازم و واجب طوبی للعاملین

اینکه در بارۀ جناب نائب علی اکبر بیک علیه بهاء الله مرقوم داشته بودید جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله در دو مراسله که باین فانی ارسال داشتند ذکر ایشان و مراتب محبت ایشان را نوشته بودند و هم چنین ذکر یک مرکوب را بتفصیل نوشته بودند ایشان در این امورات تا حال کمال ملاحظه را نموده اند و آنچه بایشان از هر کسی رسیده بساحت اقدس رسانده اند هذا ما شهد به الخادم علی قدره و مقامه و العلم عند الله العالم الخبیر

اینکه در دستخط دیگر ذکر احبّاء الله قم علیهم بهاء الله مرقوم بود بعینه همان فقرات مذکوره در ساحت اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله عزّ کبریائه

یا اسد علیک بهائی سکر غفلت عالم را احاطه نموده مبین لازم نفس دوستان حقیقی الهی بمثابۀ نسائم لطیفه ربیع است در هر بلاد که مرور نماید اشجار وجود را خرم فرماید و باثمار بدیعه منیعه فائز کند ان احمد الله ربّک و ربّ من فی ملکوت الامر و الخلق بما ایدک علی خدمه امره و عرفک ما کان مستوراً عن الأبصار الا من شاء الله جناب احمد و ابرهیم و ندافها علیهم بهاء الله و سایر دوستان آن ارض را تکبیر میرسانم انشاء الله بمقامی فائز شوند که سطوت غضب نفوس ظالمه

ایشان را از مطلع نور احدیه منع ننماید بگو ای دوستان امروز روز پرواز و روز ذکر و بیان است باید باسم حق بقوادم ایقان در هواء محبت رحمن طائر و سائر باشید نسائم رحمت در مرور است و کأس رحیق بایادی عطا امام وجوه موجود ان اشریوا منها باسم ربکم مالک الغیب و الشهود قدر این ایام را بدانید یکبار مرگ محتومست اگر در سبیل حق واقع شود احب بوده و خواهد بود اهل بها باید باخلاق حسنه مرضیه و آداب ملاء اعلی ظاهر باشند و بحکمت ناظر در این صورت آنچه وارد شود لعمر الله احسن است از حیوة عالم ای دوستان وقت را از دست مدهید بکمال وقار و تمکین به ما امرتم به فی الکتاب تمسک نمائید انه یسمع و یری و هو السميع البصیر انتهى

و اینکه مرقوم داشتید که جناب آقا محمد ابرهیم علیه بهاء الله در آن ارض مشتعلند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل انشاء الله بآن فائز شوند قوله عز کبریائه

هو السامع المجیب

یا ابرهیم یدکرک الخلیل الذی دعا کلّ الی الله ربّ العالمین انّ المظلوم سمع ذکرک و اشتعالک بنار محبة الله ذکرک بهذا اللوح المنیر انا دخلنا السجن الأعظم و اظهرنا ما اراده الله العزیز الحکیم من الناس من نبذ ما عند القوم و اقبل الی الأفق الأعلى و آمن بالفرد الخبیر و شرب کوثر الحیوان من ایادی عطاء ربّه الرحمن و منهم من اعرض و استکبر علی الله العزیز الحمید طوبی لعین رأت بینات ربّها و لسمع سمع آیاته الکبری و للسان نطق بذکره الجمیل خذ الکتاب بقوة من عندنا علی شأن لا تمنعک حجاب العلماء و لا تخوفک شؤونات الظالمین قل یا ملاء الأرض تالله قد فتح باب السماء و اتی مالک الأسماء بسلطان عظیم و اراد ان یحیی الأرض بعد موتها اتقوا الله و لا تكونوا من الغافلین بظلمهم ناح الملاء الأعلى و ذرفت عیون المقرّبین سوف تفتی الدنیا و ما عند الناس و یرقی لک ما نزل فی هذا المقام الکریم انا نذکر احبائاً فی هناك الذین تمسکوا بما امروا به فی الکتاب من لدن آمر حکیم قل لو یأتیکم احد بغیر ما اراده الله دعوه بنفسه متوکلین علی الله المقتردر القدیر یا احبائاً انا نذکرکم لوجه الله لیرقی به اسمائکم فی لوحه الحفیظ کذلک نطق لسان المظلوم اذ کان بین ایدی المعرضین ان افرحوا فی ایام ربکم تالله قد ماج بحر الفضل و انار افق الظهور بشمس ذکری المقدّس العزیز البدیع انتهى انشاء الله بزبارت این لوح امنع اقدس فائز شوند بنورش منیر و بحرارتش مشتعل گردند بشأنی که آثار آن در ملاء اعلی ظاهر شود تا چه رسد باهل ارض ولکن در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشید که مباد نعیق مرتفع شود و رحیق مستور ماند و مخصوص جناب آقا سید احمد و جنابان ندافها علیهم بهاء الله از قبل الواح منیعه مقدسه نازل شده انشاء الله بآن فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیآشامند

و اینکه مرقوم فرمودند بارض جاسب توجه نموده احباب الهی را ملاقات فرمودند مکتوبی این خادم فانی در جواب مراسله جناب ملاء غلام رضا نوشته و در آن مکتوب یک لوح امنع اقدس از سماء مکرمات مخصوص جناب ایشان نازل و هم چنین نفوس مذکوره در کتاب ایشان از برای هر یک لوح مبارک نازل تعالی تعالی فضل محبوبنا و عنایه مقصودنا و رحمته الّتی سبقت من فی الوجود اسم هر یک از دوستان که تلقاء وجه عرض شد حیاً میّتاً نازل شد آنچه که شاهد و مدلّ و گواه است بر عنایت و شفقت و رحمت انشاء الله اهل بها بر مقامات خود مطلع شوند و حفظش نمایند لله عمل الذین اعترفوا بما نطق به لسان العظمة صدهزار طوبی از برای نفسی که بتبلیغ امر الله قیام نمود و از برای نفوسی که باصفا فائز شدند و بکمال ثبوت و رسوخ بر امر قیام نمودند یسأل الخدام ربّه بأن یوفّق من فی العالم و یعرفهم ما فات عنهم فی هذه الايام الّتی ما رأت العیون شبهها و نظیرها و مثلها

و اینکه توجّه بارض بادقان و ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله و اشتعال ایشان را بنار محبة الله نموده بودید ذکر ایشان در مکتوب جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله بوده و این عبد این فقره را عرض نمود یک لوح امنع اقدس از سماء مرحمت مخصوص جناب ایشان و احبای آن ارض نازل نزد جناب مذکور ارسال شد که برسانند آن محبوب باید بشارت لوح مبارک را بایشان بدهند تا بتأییدات الهی بیشتر از پیش بخدمت امر مشغول باشند و مخصوص جناب آقا محمد ابرهیم علیه بهاء الله از اهل قم هم لوح امنع اقدس نازل نزد جناب حاجی میرزا ابوالحسن ارسال شد که برسانند چه که ایشان ذکر جناب مذکور را نموده بودند و چون آن محبوب هم ذکر نموده اند یک لوح اعترّ امنع مرّة اخری نازل و تفصیل آن عرض شد انشاء الله آن محبوب میرسانند جناب مذکور صاحب دو لوح شده اند انشاء الله این دو لوح دو جناح شود از برای پرواز ایشان در هواء محبت رحمن

و اینکه در باره نراق و احبای آن ارض مرقوم داشتید تلقاء وجه عرض شد و ذکر هریک از انفس مذکوره از لسان مبارک جاری و فرمودند الحمد لله جناب اسد علیه بهائی فائز شدند بخدمت حق و ذکر و ثنائش امری که الیوم اهمّ است و لدی الله از رکن اعظم تبلیغ است و او بکمال روح و ریحان بآن مشغول است طوبی له و لمن یسمع منه ما انزله الله فی الکتاب احبای ارض ن و راء تحت لحاظ عنایت بوده اند انشاء الله موفق شوند بآنچه سزاوار یوم الله و مؤید گردند بآنچه سبب و علت بقای ذکر است فرات جاری و بحر ظاهر طوبی للفائزین انتهی این خادم فانی خدمت ایشان تکبیر و ثنا معروض میدارد امید از فضل عمیم حق جلّ جلاله که جمیع را مؤید فرماید بر اتفاق و اتحاد و بر آنچه الیوم سبب ارتفاع امر الله است

و اینکه مرقوم داشتید در حین نوشتن جناب آقا میر علیه بهاء الله از اهل فتح آباد هم استدعا نمودند که ذکر ایشان بشود این فقره عرض شد هذا ما نطق به لسان المحبوب فی الجواب قوله عزّ کبریائه یا میر انشاء الله انوار یوم ظهور در کلّ حین شما را منور دارد و بذکر دوست یگما مشغول مشاهده در ناس نما عالمی را که کلّ بفنائش مقررّ و معترفند او را معبود اخذ نموده اند و از معبود حقیقی و انوار آفتاب معنوی محبوب و ممنوع شده اند یا میر ندای این اسیر را بشنوائه یؤیدک و یقرّبک الی الله الفرد الخبیر ذکر نفوس مستقیمه از قلم اعلی جاری و نازل انشاء الله به ما اراده الله متمسک شوند و از دوش فارغ و آزاد جمیع دوستان آن ارض و دیار اخری را تکبیر میرسانم و بآنچه سبب علو و سموّ مقام انسان است وصیت مینمایم طوبی للعاملین و ویل للغالین البهاء المشرق من افق ارادة ربکم الرحمن علیک و علی کلّ صبار شکور الحمد لله العطوف الغفور انتهی

ذکر جناب حاجی محمد رضا علیه بهاء الله از ارض صاد را مرقوم داشتند ذکرشان در ساحت من لا یعزب عن علمه من شیء عرض شد و این کلمات عالیات از سماء مشیت منزل آیات مخصوص ایشان نازل انشاء الله بآن فائز شوند و از بحور معانی آن پیاشامند آشامیدنی که اثر آن در ملک باقی و پاینده ماند قوله تعالی

هو الشاهد السامع العليم الخبیر

یا محمد قبل رضا حمد کن محبوب عالم را که بعنایت اسم اعظم تو را تأیید نمود و بآنچه که الیوم اکثر اهل ارض از آن غافل و محجوبند هدایت فرمود سبیل الهی واضح و آیاتش نازل و بیناتش ظاهر مع ذلک کلّ غافلند الا من شاء الله قدر این ایام را بدان و بذکر و ثنای حق جلّ جلاله مشغول باش حشمت جبار و سطوت فراعنه و شوکت اکاسره و

ثروت قیصره کل فانی و معدوم مشاهده شد و آنچه هم الیوم مشهود است البتّه بفنا راجع خواهد گشت سزاوار اینکه انسان متشبّث شود بامری که پاینده و باقی است ان احمد ربّک بما عرّفک مشرق وحیه و مطلع آیاته و مظهر نفسه و انزل لک ما لا تعادله ممالک الأرض کلّها انّ ربّک هو الغفور الکریم ثمّ اسأله بأنّ یؤدّک علی ما ینبغی لایّامه انّه هو السّامع المجیب الحمد لله مالک هذا الیوم البدیع انتهى انشاءالله در کلّ احیان از کلمات الهی اخذ نمایند آنچه را که سبب حیوة و بقا است انّ الخادم یحبّ ان یدکر من اقبل الی الله و فاز بعرفانه و خضع لسلطانه و نطق بثنائه اینکه مرقوم فرموده بودند بنیابت آن محبوب بزیارت فائز شوم دو ساعت از شب سه‌شنبه ۲۵ ربیع‌الأولی قصد محضر مالک الوری نموده و بعد از حضور و اذن زیارت و طواف بعمل آمد و الحمد لله بطراز قبول فائز شد هنیئاً لحضرتک

ولی اینکه ذکر ارض کاف و جناب نوّاب علیه بهاء الله و جناب حاجی سید محمد و جنابان آقا سید نصرالله و آقا سید هاشم علیهم بهاء الله فرموده بودند این باصغاء مالک اسماء فائز و نسبت بهر یک تجلیات آفتاب عنایت مشرق و لائخ چندی قبل خدمت جناب ن و تفصیلی این عبد نوشته ارسال داشت و هم‌چنین لوح امنع اقدس مخصوص ایشان ارسال شد و هم‌چنین مخصوص جناب حاجی سید محمد و سایر دوستان بهمراهی جناب شیخ س علیه بهاء الله الواح بدیعه منیعه ارسال شد این خادم فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل است که کل را بشأنی مؤید فرماید که اشیاء متلوّنه این دوروزه دنیا از مالک اسماء منع نمایند موفق شوند بآنچه که سزاوار است و مؤید گردند بآنچه که بطراز بقا مزین است و هم‌چنین دستخط دیگر آن محبوب که بتاریخ ۲۷ ذی‌الحجّه الحرام مرقوم فی‌الحقیقه دریاق بود از برای این خادم علیل چه که مزین و معطر بود بعرف خلوص آن محبوب لله الفرد العزیز الودود

و اینکه ذکر مراجعت بارض قم ص و هم‌چنین ملاقات با جناب حاجی سید ابرهیم علیه بهاء الله فرموده بودند ذکر ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد یک لوح مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل و هم‌چنین مکتوب این عبد جناب آقا میر عبدالرحیم علیه بهاء الله و مخصوص ایشانهم در مکتوب این عبد لوح امنع اقدس نازل و هم‌چنین مخصوص نفوس مذکوره در مکتوب ایشان فرداً فرداً از افق سماء فضل الواح بدیعه منیعه ممتنع اشراق نمود انشاءالله بآن فائز شوند و هم‌چنین مخصوص جناب ملا غلام رضا علیه بهاء الله از ارض جاسب و نفوس مذکوره در مکتوب ایشان که باین عبد نوشته بودند و هم‌چنین مخصوص جناب شیخ حسن علیه بهاء الله و نفوس مذکوره در مکتوب ایشان الحمد لله در باره جمیع اسامی مذکوره در پاکتهای آن محبوب اظهار فضل و عنایت کبری از مشرق رحمت مالک اسماء مشهود و لائخ آن محبوب ملاحظه فرمایند و بعد از اخذ صورت اصل را ارسال دارند نزد جناب حاجی سید ابرهیم علیه بهاء الله و ایشان بعد از ملاحظه بصاحبانش یعنی نفوس مذکوره برسانند

و اینکه در ذکر حقوق مرقوم داشته بودند بیع املاک حسب الأمر جایز نه نفوسی که حقوق بر ایشان تعلق گرفته در صورت استطاعت بادای آن فائز شوند فرمودند املاک را بخود آن نفوس وا گذاشتیم لهم ان یتصرّفوا فیها کیف یشاؤون انتهى خیر اعمال حسنه بخود نفوس عامله راجع است مخصوص نفسی که بادای حقوق الله موفق گردد این امری است که باید بکمال اعزاز جاری شود هر نفسی اقبال نماید و بکمال میل و رضا ادا کند امنا از او بپذیرند والاّ انّه غنی عن العالمین

این کلمه علیا از قلم اعلی مخصوص ابوالحسن اردکانی صادر از جمیع دنیا بگذرید و از یک ذره اعزاز امر الله نگذرید انتهى طوبی از برای نفوسی که فی‌الحقیقه الیوم بخدمتی قیام نموده‌اند و بما ینبغی مؤید گشته‌اند

و اینکه در بارهٔ مبلغین مرقوم داشتند در ساحت اقدس مقبول افتاد فی الحقیقه باید هر نفسی که بر این امر خطیر اعظم قیام نماید بجمیع صفات ظاهره و باطنه مزین باشد و بقدر کفاف با او باشد و در هر ارض که وارد شود عرف انقطاع از او متضوع گردد فی الحقیقه آن محبوب در این مقام بیان مرغوبی فرموده اند انشاء الله آن محبوب در جمیع احوال مؤید و موفق باشند بر اموراتی که سبب اعزاز امر الله است فرمودند زاد مبلغین دو قسم است و هر دو لازم الأول التوکل علی الله و الثانی باید آنچه از حقوق الله حاصل بعضی بایشان یعنی بمبلغین داده شود انتهی و از سنین قبل در شرایط مبلغین از قلم اعلی نازل شده آنچه کافی است فی الحقیقه این امر بسیار عظیم است طوبی لمن فاز به انه ممن نصر الله ربّه بکمال ما یمکن فی الابداع انشاء الله نفوس متمولّه باثروت موفق شوند بر ادای حقوق تا این امورات بکمال روح و ریحان در ارض جاری شود لو عرفوا لأنفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سبیل الله و دیگر خود آن محبوب در اخذ حقوق مأذونند الحمد لله تجلیات آفتاب عنایت آن جناب را اخذ نموده له الحمد فی کلّ الأحوال و هو العطوف الکریم و قرار آن محبوب در امر حقوق فی الحقیقه درست و محکم بود و لکن چون این فقره معلق بعمل نفوس کثیره است در مدن و قری البتّه انتشار یابد و انتشار آن سبب ضوضای غافلین و جاهلین گردد لذا باید به ما حکم به الله عمل نمود و در بارهٔ دو واحد در حقوق که ذکر فرموده بودند حسب الامر عدد اسم اعظم خود جناب حاجی سید ابرهیم تصرف نمایند و در اعیاد صرف کنند و یا بفقرا بدهند هر دو لدی الوجه محبوب است و مابقی بآن محبوب یا بجناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله میرسد

اینکه ذکر جناب آقا محمد هاشم و سه نفس دیگر که بر حیق ایمان فائز شدند مرقوم داشتند تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من ملکوت الله مالک المآب قوله عزّ کبریائه

هو الأقدس الأعظم الأبهی

یا هاشم قد ذکرک من قام علی خدمتی و اقتصر اموره علی نصرة امری نذکرک فضلاً من لدنا و انا الفضال الکریم طوبی لیت فیهِ ارتفع ذکری و لعبد تزین بطراز حبّی العزیز البدیع ان احمد الله بما ایدک علی عرفانه و هداک الی صراطه المستقیم لک ان تشکر الله فی کلّ الأحيان ان ربک هو السامع المجیب

و نذکر محمد الذی اقبل الی الأفق الأعلى و فاز بهذا الأمر الذی اعرض عنه من علی الأرض الا من شاء الله ربّ العالمین یا محمد ان اسمع النداء من شطر السّجن و قل لک الحمد یا الهی بما عرفتنی و شربتنی کوثر البیان من ایدای العطاء اشهد ان فضلك سبق العالم لا اله الا انت الغفور الرحیم

و نذکر امة الله الّتی اقبلت و ارادت ان تشرب کوثر البیان فی ایّام ربّها الرّحمن طوبی لكلّ امة فازت بهذا المقام الکریم و نذکر امة اخرى و نبشّرها بفضلی و عنایتی و نأمرها و امائی بالاستقامة علی الأمر و العمل بما ینبغی لایّام الله الفرد الواحد الخبیر انتهی

استدعای جناب آقا محمد هاشم تلقاء وجه عرض شد لسان عنایت باین کلمه مبارکه ناطق نسال الله تعالی بأن یقدّر لها ما ینفعها فی الآخرة و الأولى انه یعلم ما عنده و هو الشّاهد السّامع العلیم انتهی

و اینکه مرقوم داشتند که جناب آقا محمد هاشم از اهل ص بیت خود را اراده نموده اند باسم حقّ فائز شود و محلّ عبور و مرور احبّاء الله واقع گردد این مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان مقصودنا و مقصود من فی السموات و الأرض

قوله عزّ اجلاله یا اسد علیک بهائی انا قبلنا ما کتبه بشر من قبلی من سمی بمحمد قبل هاشم لیشکر الله ربّه بهذا الفضل العظیم طوبی از برای نفوسی که مقام یوم الهی را ادراک نمودند و بفیوضات حضرت فیاض فائز گشتند جمیع انبیا و مرسلین لقای این یوم را از حقّ جلّ جلاله آمل و سائل بودند و این امر در جمیع کتب و صحف الهی مذکور و مسطور است معذلک فائز نشد مگر اهل سفینه حمرا که از قلم اعلی در قیوم اسماء ذکر آن نازل انشاء الله بتأییدات حضرت مقصود نفوسی که بضغینه و بغضا آلوده نشده اند نفحات وحی را ادراک نمایند و بآنچه مقصود است فائز شوند کبر من قبل احبائی فی المدن و الدیار و بشرهم بفضل الله و عنایت و رحمته الّتی احاطت الملک و الملکوت انتهى

یا محبوب فوادی نفوسی که نفحات محبت محبوب عالمیان در ایشان ساطع و متضوّع است فی الحقیقه عدل و مثل و شبه نداشته و ندارد و این خادم فانی لازال ذکر ایشان را دوست داشته و دارد بشأنی که اگر جمیع ایام و لیالی بذکر ایشان مشغول شود معذلک اقلّ از ذرّ بنظر میآید از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی سائل است که مقامات لا مثل لها از برای ایشان مقدّر فرماید انه هو الغفور الرحیم

و اینکه ذکر جناب محمد حسین ابن مرفوع آقا محمد باقر علیهما بهاء الله فرمودید این فقره در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله جلّ و عزّ

هو الشاهد الناطق العليم

یا محمد قبل حسین امروز روز اقبال و توجّه و ذکر و ثنا و خدمت است انشاء الله از نسائم ربیع بهار الهی تازه و خرم باشی و بذکر محبوب عالمیان ناطق قسم بآفتاب افق ظهور یک ذکر الیوم اعترّ است عند الله از ذکر خلق کثیر که در غیر این ایام واقع شود تمسک بجبل عنایه ربّک و توکل علیه انه یؤید من یشاء امرأاً من لدنه و هو الفضل الکریم از حقّ جلّ جلاله بطلب تا تو و اهل آن ارض را از نعیق ناعقین و ضوضاء کاذبین و خادعین حفظ فرماید انه هو المقتدر العليم الحکیم انا نکبر من هذا المقام علیک و علی احبائی الذین اجابوا اذ سمعوا ندائی العزیز البدیع انتهى

الحمد لله هر نفسی که از قلم آن محبوب ذکرش جاری شد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشت انشاء الله قدر این مقام اعترّ اعلی را بدانید و باسم محبوب امکان حفظش نمائید اکثر امور الیوم مستور است یا لیت وجدت نفحات الاذن و ذکرک لأولیاء الله ما قدر لهم من لدی الله ربنا و ربکم و ربّ من فی السموات و الأرضین

اینکه در باره جناب حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله مرقوم داشتند که بحکم مشاورت قرار شد در ارض ک بمانند و در هر چندی باطراف آن عبور نمایند و ناس را بامر الهی متذکر دارند این فقره لدی الوجه مقبول افتاد انشاء الله باین خدمت اعظم فائز شوند و به ما اراده الله عامل و در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشند اگرچه الحمد لله خدمات ایشان بمثابه آفتاب روشن است احتیاج بعرض این خادم نبوده و نیست و لکن این عرض نظر بتأکید جمال قدم است یومی از ایام این کلمه علیا از لسان مبارک ظاهر فرمودند مهاجرین لله که مخصوص تبلیغ امر بمدن و دیار توجّه مینمایند اگر امام وجوه ناس به بیت یکی از احبای الهی که معروف است وارد شوند این از حکمت خارج است و از این بیان محبوب امکان اهمّیت حکمت معلوم و واضح است و هم چنین فرمودند باید از برای ایشان از حقوق الهی بقدر احتیاج معین شود و اینکه حال هم بسمت مازندران توجّه نموده اند آنهم لدی الله مقبول است انشاء الله نفوسی مخصوص این خدمت بزرگ

مبعوث شوند و بکمال زهد و ورع و تقوی ببدن و دیار توجه نمایند که شاید عظام رمیمه از رشحات بحر بیان الهی زنده شوند تا کل بطراز آن الله و انا الیه راجعون مزین گردند

و دستخط چهارم آن حضرت که بتاریخ ۶ محرم الحرام سنه ۱۲۹۹ مرقوم شده بود غم برد و بهجت آورد لله الحمد فی کلّ الأحوال و بعد از قرائت و اطلاع قصد اعلی المقام نموده و در منظر اکبر تلقاء وجه تمام آن عرض شد قوله عزّ اجلاله یا اسد علیک بهائی صریح قلم اعلی در لیالی و ایام قطع نشده انشاء الله خلق عالم باصغاء آن فائز شوند امروز آفتاب حقیقت در جمیع احوال در وسط الزوال مشاهده می شود ابصاری که قابل مشاهده باشد بسیار کمیاب انشاء الله آن جناب بکحل حکمت رمد ابصار را رفع نمایند شاید در این ایام که سلطان ایام است محروم نمانند مکرر میگوئیم دوستان الهی را در هر دیار که ملاقات شد از قبل مظلوم تکبیر برسان شاید بنفحات تکبیر الهی فائز شوند و به ما یرتفع الأمر مشغول گردند انتهی مکرر در این دستخط آن حضرت هم ذکر حقوق بوده در این فقره آنچه از لسان مبارک اصغا شد عرض شد حقّ جمیع را مؤید فرماید که هر وقت قدرت و قوت ظاهر شد ادا نمایند طوبی للعاملین و طوبی للفائزین

و اینکه در باره جناب اخوی علیه بهاء الله و مراتب اقبال و خلوص و خضوع و خشوع ایشان را مرقوم داشتید سبب و علت سرور جدید گردید در الواح الهی در باره ایشان نازل شده آنچه که ثمر آن ظاهر شده و میشود و آنچه آن محبوب در این مقام مرقوم داشتند در شبی از شبها این خادم فانی بتفصیل تلقاء وجه عرض نمودم تبسم فرمودند و بعد باین کلمه مبارکه نطق فرمودند قوله عزّ کبریائه انشاء الله بتأییدات الهی مؤیدند قد انزلنا له ما لا یعادله شیء انا نکبر من هذا المقام علیه و نبشّره بما اراده الله ربّ العالمین انّ الأمور کلّها فی قبضة قدرته یفعل ما یشاء بسلطانه لا اله الا هو المقتدر القدر انتهی الحمد لله آثار فضل و عنایت و رحمت در باره آن جناب و بستگان ظاهر و هویدا است هم از او میطلبیم ایشان را مؤید فرماید بر آنچه باقی و دائم است و مقدر فرماید از برای ایشان خیر دنیا و آخرت را آنّ هو القویّ الحکیم این فانی خدمت ایشان تکبیر میرساند انشاء الله بخیر ظاهر و باطن فائزند و از نظر این فانی نرفته و نخواهند رفت

و اینکه در دستخط دیگر ذکر خدمت بعضی و عدم قبول اعزازاً لأمر الله مرقوم داشتند در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد این کلمه علیا از لسان مطلع امر ظاهر قوله تعالی لله درّه و درّ من یسمع قوله آنچه نوشته اند صحیح و تمام است انتهی

و اینکه در باره جناب ملا غلام رضا علیه بهاء الله از اهل فاران و حکایت اسب مرقوم داشتید فرمودند عمل او لله بوده و عدم قبول آن البته سبب و علت حزن میشد انا نذکره فی هذا الحین و فی هذه السّاعة هذا اللیل و فی هذا السّجن و فی هذا المقام الذی عجز الألسن عن ذکره و الأقلام عن ثنائه و نبشّره بقبول ما عمل فی سبیلی و نذکره کما ذکرناه من قبل و انا الذّاکر العلیم انتهی انشاء الله آن محبوب فائزند بآنچه لدی العرش محبوب است و عاملند بآنچه سبب عزّت امر است

و اینکه مرقوم داشتید که اراده توجه بارض الف و راء و ص و نج و اطراف فرموده اند این مراتب بتمامه عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة انشاء الله بمثابه نسیم سحری بر دیار الهی مرور نمایند و جمیع را متذکر دارند که شاید اشجار بستان معنوی باثمار بدیعه منیعه یعنی اعمال طیبّه حسنه مزین شوند انتهی

عرض این فانی اینکه اهل خاء یعنی جناب آقا خداداد و آقا عزیزالله علیهما بهاء الله و سایر دوستان الهی ذکر شما را نموده اند چنانچه خود آن جناب هم در این باب سبقت گرفته و ذکر اولیا و دوستان ارض خاء را بتفصیل از قبل نوشته اند در این ایام بعضی مسئلت نموده اند که آن جناب بآن سمت توجه نمایند مخصوص جناب آقا عزیزالله انشاءالله بتأییدات الهی باراضی مذکوره کلاً توجه نمایند و جمیع را متذکر دارید عرض دیگر این فانی خدمت محبوبی جناب ملا علی اکبر علیه بهاء الله مالک القدر عرض خلوص و فنا و نیستی این فانی منوط بعنایت آن محبوب است دستخط ایشان الحمد لله علت فرح و انبساط شد و هم چنین دستخطی که بجناب آقا حسین علیه بهاء الله مرقوم داشته بودند در ساحت اقدس عرض شد کمال عنایت ظاهر و فی الحقیقه سبب تذکر بعضی واقع گشت کله حق در هر حال مؤثر است و هم چنین مراسله ای هم بجناب اسم جود علیه بهاء الله الأبهی ارسال داشته بودند آنهم در ساحت اقدس معروض گشت و این عبد باطمینان اینکه در ارض طاء تشریف دارند در ارسال جواب این کره تعویق نمود انشاءالله کره بعد امید هست این فانی بعرض جواب موفق شود

عریضه جناب آقا میرزا صادق ابن جناب آقا میرزا محمود علیهما بهاء الله بساحت اقدس فائز و تلقاء عرش عرض شد
هذا ما نزل من ملکوت بیان ربنا الرحمن قوله تعالی

هو الناطق من افقه الأبهی

یا صادق قد حضر کتابک و سمعنا منه ندائک وجدنا عرف حبک طوبی لأبیک و امک و لمن رزقه الله ذریه طیبه نطقت بثناء المحبوب و قامت علی خدمه امره المبرم الحکیم ان افرح بما اجبتک بما یقرّبک الی الله رب العالمین انا ذکرنا اباک و اخته من قبل آیات لا یعاد لها شیء من الأشياء ان ربک هو الناطق العالم الخبیر و ارسلناه مع السّلمان الذی دار البلاد بألواح ربّه المقتدر القدير البهاء علیک و علی من کتب کتابک (کمال الدین) و علی من اقبل الی الأفق الأعلى المقام الذی فیه ینطق لسان العظمة الملک لله مالک هذا الیوم البدیع

و نذکر من سمی بنصرالله الذی ذکرنی و انا الذاکر العلیم قل ایاک ان تمنعک شؤونات العالم عن مالک القدم دعها و خذ ما امرت به من لدن عزیز حکیم قد سمعنا ندائک اجبتک و اقبلنا الیک من هذا المقام البعید البهاء علیک و علی الذین ذکرت اسمائهم فی کتاب من سمی بصادق الذی توجه الی وجهه ربّه العزیز الحمید ان افرحوا یا احبائی انه اتی ببحر الفضل و غفر الذین ارادوا الغفران انه هو الغفار الفضال العطوف الکریم انتهى

انشاءالله نفوس مذکوره بآیات بدیعه فائز شوند الحمد لله ذکرشان در مقام لیس کمثله شیء معروض گشت و نسبت بهر یک شمس بخشش حق جلّ جلاله مشرق

عرض دیگر این فانی آنکه محبوب فؤاد ابن جناب اسم الله الأصدق علیهما بهاء الله و عنایته دو دستخط باین عبد ارسال داشته اند جواب دستخط اول عرض شد و اراده بود که این کره ارسال شود بعد دستخط ثانی رسید این عبد فانی اراده نمود که جواب آن را هم عرض نماید و یکمرتبه ارسال دارد و دستخط ثانی وقتی رسید که پوسته عازم بود و وقت غیر موجود عرض فنا و نیستی خدمت ایشان بسته بمرحمت آن محبوب است انشاءالله در خدمت محبوب عالمیان بمثابه برق متحرک و منیر باشند و بمثابه شریان در هیکل عالم نباض الأمر لله المقتدر العزیز الفیاض مکتوب آخر رسید و افسردگی

دست داد چه که حقّ شاهد حال است زمانی که بذکر آقایان یعنی نفوس قائمه بر امر الله مشغولم حرارت محبت ارکان را اخذ مینماید بکمال شوق و شغف و شغف عرض میشود و قریب بانتهای حزن دست میدهد یسأل الله الخادم الفرح و الفرج و السرور لحضرتک و لمن فاز بخدمة الأمر فی ایام الله ربّ العالمین استدعا اینکه در هر دیار که وارد میشوید سلام و تکبیر این فانی را خدمت دوستان الهی برسانند انشاءالله جمیع بکمال اتحاد و اتفاق که فی الحقیقه اکسیر اعظم است از برای هیاکل نحاسیّه عالم موفق شوند البهآء علی حضرتکم و علی احبآء الله و اولیائه فی الأقطار انه هو السّامع البصّار

فی ۴ ربیع الثانی سنة ۱۲۹۹